

دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

موضوع :

رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با کمال گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش
آموزان خانواده های تک فرزند و چند فرزند

استاد راهنما :

دکتر حسن اسدزاده

استاد مشاور :

دکتر صغرا ابراهیمی قوام

استاد داور :

دکتر فریبرز درتاج

پژوهشگر :

پریسا فرنودیان

شهریورماه ۱۳۹۱

تقدیم

تقدیم به پدر و مادرم که در تمام مراحل تحصیل
صبورانه همراه من بوده و با حمایت های خویش
مشکلات راه را بر من هموار نمودند و همچنین یگانه
برادرم که همواره حامی و پشتیبان من بوده است.

قدردانی و سپاس

قبل از هر چیز سپاس خدای لایتناهی را که الطاف و رحمانیت بی شمارش همواره شامل حال اینجانب گردیده است. اکنون که مرحله دیگری از تحصیلات دانشگاهی خویش را به پایان می رسانم بر خود لازم می دانم که از اساتید گرانقدری که از محضرشان استفاده نموده ام، تشکر نمایم. به ویژه تشکر از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسن اسدزاده که در تمام مراحل پژوهش با ارائه راهنمایی های اندیشمندانه در انجام کار یاریم نمودند. همچنین از استاد مشاور خانم دکتر صغرا ابراهیمی قوام که در مراحل پژوهش اینجانب را مساعدت کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم. در اینجا نیز لازم میدانم از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر درتاج که قضاوت پژوهش را به عهده گرفتند و باعث بهبود کیفیت پژوهش گردیدند تشکر می نمایم. از مسئولین محترم آموزش و پرورش ناحیه ۱ و ۱۸ شهر تهران و دبیرستان های مورد تحقیق که در توزیع و تکمیل پرسشنامه همکاری لازم را داشتند و همچنین از مسئولین محترم آموزش و کارکنان کتابخانه دانشکده که در این پژوهش یاریم نمودند سپاسگزارم. در پایان لازم می دانم از زحمات دوستان عزیز و گرامی که به من در انجام این پژوهش بسیار کمک نمودند، قدردانی و سپاس نمایم.

چکیده :

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با کمال گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش آموزان خانواده های تک فرزند و چند فرزند بوده است. به این منظور ۴۸۶ دانش آموز دختر مقطعه متوسطه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. به منظور بررسی، از پرسشنامه کمال گرایی چند بعدی (MPS) ، مقیاس یادگیری خودتنظیمی (پنتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰)، پرسشنامه فرزند پروری (بامریند، ۱۹۷۳) استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان داد بین شیوه فرزندپروری والدین با خودتنظیمی و کمال گرایی دانش آموزان همبستگی معنادار وجود دارد به بیان دیگر بین شیوه فرزندپروری اقتدارگرا و خودتنظیمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل گرا و خودتنظیمی رابطه منفی وجود دارد بین کمال گرایی خودمحور و جامعه محور و شیوه فرزند پروری اقتدارگرا و استبدادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده با استفاده از روش آماری (t) نشان داد که بین شیوه فرزندپروری با کمال گرایی و خودتنظیمی در خانواده های تک فرزند و چند فرزند تفاوت وجود دارد. به طور کلی، تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأثیر قابل توجهی بر رشد مهارت های خود تنظیمی و کمال گرایی فرزندان دارد و از آن جا که والدین اولین معلمان فرزندان هستند و تأثیر پذیری فرزندان در اوایل کودکی از والدین که اولین الگوهای آن ها می باشند بسیار زیاد است، والدین می توانند با اتخاذ رویه های صحیح تربیتی در برخورد با فرزندان از تأثیر پذیری خود حد اکثر استفاده تربیتی را بکنند.

کلید واژه : شیوه های فرزند پروری، کمال گرایی، خود تنظیمی ، خانواده های تک فرزند و چند فرزند

فهرست

چکیده.....

فصل اول : کلیات تحقیق

مقدمه..... ۲

بیان مسئله..... ۴

اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۸

اهداف تحقیق..... ۱۰

سوال تحقیق..... ۱۰

فرضیات تحقیق..... ۱۰

تعاریف نظری..... ۱۱

تعریف عملیاتی..... ۱۱

فصل دوم : ادبیات و پیشینه پژوهش

شیوه‌های فرزندپروری..... ۱۴

ابعاد شیوه فرزندپروری..... ۱۵

الگوهای شیوه‌های فرزندپروری..... ۱۶

الگوی اریکسون..... ۱۶

الگوی شفر..... ۱۷

الگوی وینتر با تم..... ۱۸

الگوی مک کوبی و مارتین..... ۱۸

الگوی بامریند..... ۱۹

یادگیری خودتنظیمی..... ۲۷

نظریه‌های یادگیری خودتنظیمی..... ۳۰

راهبردهای یادگیری خودتنظیمی..... ۳۲

راهبردهای شناختی..... ۳۲

راهبردهای نظم‌دهی و فراشناختی..... ۳۳

راهبردهای مدیریت منابع..... ۳۵

۳۶.....	راهبردهای انگیزشی.....
۳۶.....	فرایندهای یادگیری خودتنظیمی.....
۳۹.....	زیر مراحل خودتنظیمی.....
۴۳.....	مدلهای یادگیری خودتنظیم.....
۴۳.....	مدل بیگز.....
۴۴.....	مدل کارور و شی پر.....
۴۵.....	مدل باتلر و واین.....
۴۵.....	مدل واین و هدوین.....
۴۵.....	مدل بوکائرتز.....
۴۶.....	مدل زیمرمن.....
۴۷.....	مدل پنتریچ.....
۴۸.....	کمال گرایی.....
۴۹.....	تعاریف کمال گرایی.....
۵۵.....	چگونگی شکل گیری شخصیت کمالگرا.....
۵۶.....	ابعاد کمال گرایی.....
۵۷.....	کمال گرایی طبیعی - نوروتیک (بهنجار و ناهنجار).....

- کمال‌گرایی چند بعدی..... ۶۰
- کمال‌گرایی چند بعدی از دیدگاه فراست و همکاران..... ۶۰
- ابعاد دوگانه کمال‌گرایی..... ۶۲
- ابعاد سه‌گانه کمال‌گرایی، هویت و فلت..... ۶۲
- ابعاد چهارگانه کمال‌گرایی دیکسون، لپسلی و هنچون..... ۶۴
- ابعاد شش‌گانه فراست و همکاران..... ۶۶
- ابعاد هشت‌گانه کمال‌گرایی هیل و همکاران..... ۶۶
- ویژگی‌های کمال‌گرایان..... ۶۷
- نظریه‌های کمال‌گرایی..... ۷۲
- نظریه فروید..... ۷۲
- نظریه هورنای..... ۷۳
- نظریه آدلر..... ۷۵
- نظریه بندورا..... ۷۷
- نظریه پرز..... ۷۸
- همبسته‌های کمال‌گرایی..... ۷۹
- کمال‌گرایی و خانواده..... ۷۹

کمال‌گرایی و جنسیت..... ۸۰

کمال‌گرایی و فرهنگ..... ۸۲

کمال‌گرایی و سلامت روان‌شناختی..... ۸۴

کمال‌گرایی در دوران دانشجویی..... ۸۵

کمال‌گرایی و استرس..... ۸۶

کمال‌گرایی و انگیزش تحصیلی..... ۸۸

یافته‌های پژوهشی..... ۹۰

جمع‌بندی..... ۹۹

فصل سوم : روش اجرای تحقیق

جامعه آماری پژوهش..... ۱۰۱

حجم نمونه..... ۱۰۱

روش نمونه‌گیری..... ۱۰۱

ابزار گردآوری..... ۱۰۲

روش اجرای پژوهش..... ۱۰۶

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها..... ۱۰۶

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

فرضیه اول.....۱۰۹

فرضیه دوم.....۱۱۲

سوال پژوهش.....۱۱۹

سایر یافته ها.....۱۲۱

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

بحث در مورد نتایج.....۱۴۳

فرضیه اول.....۱۴۳

فرضیه دوم.....۱۴۵

سوال پژوهش.....۱۴۸

محدودیت های پژوهش.....۱۵۰

پیشنهاد های پژوهش.....۱۵۰

پیوست الف.....۱۵۳

پیوست ب.....۱۵۷

پیوست ج.....۱۶۰

منابع فارسی..... ۱۶۶

منابع انگلیسی..... ۱۷۲

چکیده انگلیسی..... ۱۸۰

فهرست جداول

جدول شماره ۱_ همبستگی بین دو متغیر شیوه های فرزند پروری

و خودتنظیمی..... ۱۰۹

جدول شماره ۲_ همبستگی بین دو متغیر شیوه های فرزند پروری

و خودتنظیمی در تک فرزند و چند فرزند..... ۱۱۰

جدول شماره ۳_ همبستگی بین دو متغیر شیوه های فرزند پروری

و کمال گرایی..... ۱۱۲

جدول شماره ۴_ همبستگی بین دو متغیر شیوه های فرزند پروری

اقتدار گرا و کمال گرایی خود محور و جامعه محور در تک فرزند و چند فرزند..... ۱۱۴

جدول شماره ۵_ همبستگی بین دو متغیر شیوه های فرزند پروری استبدادی

و کمال گرایی خود محور و جامعه محور در تک فرزند و چند فرزند.....۱۱۶

جدول شماره ۶ همبستگی بین دو متغیر شیوه فرزند پروری سهلگیر

و کمال گرایی دیگر محور در تک فرزند و چند فرزند.....۱۱۸

جدول شماره ۷ تی تست . مقایسه میانگین های دو گروه تک فرزند

و چند فرزند.....۱۱۹

سایر جداول.....۱۲۱

فصل اول:

کلیات تحقیق

یکی از مفاهیم مطرح در تعلیم و تربیت معاصر، یادگیری خودتنظیمی است. خودتنظیمی پیامدهای ارزشمندی در فرایند یادگیری، آموزش و حتی موفقیت در زندگی دارد. سازگاری و موفقیت در مدرسه مستلزم آن است که دانش آموزان با توسعه خودتنظیمی یا فرایندهای مشابه، شناخت و عواطف یا رفتارهای خود را گسترش دهند و تقویت کنند تا بدین وسیله بتوانند به اهدافشان برسند (شانک و زیمرمن^۱ ۱۹۹۷). لموس^۲ (۱۹۹۱) معتقد است خودتنظیمی به معنای ظرفیت فرد برای تعدیل رفتار، متناسب با شرایط و تغییرات محیط بیرونی و درونی است. او توضیح می دهد که خودتنظیمی شامل توانایی فرد در سامان دهی و خود مدیریتی رفتارهایش جهت رسیدن به اهداف گوناگون یادگیری است. از طرف دیگر کمال گرایی یک سازه شخصیتی است و با ویژگی هایی همچون تلاش برای کامل و بی نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار عالی و افراطی همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می شود. (استوبر و اتر^۳، ۲۰۰۶؛ اسلنی، اشبی و تریپی^۴، ۱۹۹۵). رویکردهای متفاوت در مورد کمال گرایی، آن را سازه ای تک بعدی (بونز، ۱۹۸۰)^۵ یا چند بعدی (هویت و فلت^۶ ۱۹۹۱) معرفی کرده اند. هویت و فلت با نظر به کمال گرایی در ساختار اجتماعی، سه بعد کمال گرایی خودمحور، کمال گرایی دیگرمحور و کمال گرایی جامعه محور را متمایز کردند. کمال گرایی خودمحور با تمایل به وضع معیارهای غیر واقع بینانه برای خود و تمرکز بر نقص ها و شکست ها در عملکرد همراه با خودنظارتگری های دقیق مشخص می شود (هویت و فلت ۱۹۹۱). این شکل از کمال گرایی، نزدیک ترین بعد به سازه ای است که غالباً به عنوان کمال گرایی شناخته شده است (بلت، ۱۹۹۹) و با ناکنش وری، سازش نیافتگی و آسیب پذیری مطابقت می

^۱ Shank & Zimmerman

^۲ Lemus

^۳ Stouber & vatter

^۴ Esleny, Ashby & trippy

^۵ Bons

^۶ Hewitt, P.L and Fleet

کند(ادکینز و پارکر، ۱۹۹۶؛ لیند-استیوس و هرن ۱۹۹۹؛ ویات و گیلبرت، ۱۹۹۸). کمال گرایی دیگر محور بیانگر تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است و کمال گرایی جامعه محوره احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تایید اطلاق می شود(هویت و فلت ۱۹۹۱)^۱.

آنچه مسلم است یادگیری خودتنظیمی و کمال گرایی تحت تاثیر عوامل و متغیرهای بسیاری است که در پژوهش حاضر تنها به یک عامل یعنی سبک های فرزندپروری والدین پرداخته می شود. سبک های فرزندپروری، الگوهای استاندارد فرزند هستند که با آداب و پاسخ های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می شود(کوپلن، هاستینگز، لاگاس-سگین و ماولتون، ۲۰۰۲). بامریند معروف ترین سبک های فرزند پروری خانواده را ارائه داده است. او سبک های فرزند پروری را شامل سه سبک اقتداری، استبدادی و سهل گیر می داند(ماندارا، ۲۰۰۳). سبک مستبد: این والدین بر کنترل کودک و فرمانبرداری او تاکید دارند. آنها خودمختاری کودک را محدود می کنند و رفتار مناسب را برای آنها تعیین می کنند. این والدین از اصول اجباری طرفداری می کنند، معمولاً خواستار تبعیت بدون پرسش از دستوراتشان هستند. آنها به ندرت از عباراتی که حاکی از رضایت باشد استفاده می کنند (دوویری و همکاران، ۲۰۰۶). سبک آسان گیر: این والدین از اعمال هر نوع سخت گیری و کنترل اجتناب می کنند. والدین سهل گیر به فرزندان اجازه می دهند برای خود تصمیمات بسیاری بگیرند (در سنی که آنان ظرفیت چنین کاری ندارند). بامریند دریافت که فرزندان والدین آسان گیر بسیار خام هستند. آنها در کنترل تکانه های خود مشکل دارند و هنگامی که از آنان خواسته می شود کاری را انجام دهند که با علایق زودگذر آنان مخالف است، نافرمانی و سرکشی می کنند. این کودکان بسیار پرتوقع هستند (اسلمی، ۱۳۸۵). سبک مقتدر: سبکهای فرزند پروری مستبد و آسان گیر در دوسوی یک پیوستار قرار می گیرند. در مقابل سبک مقتدر درجایی بین آن دو قرار می گیرد. والدینی که این سبک را بکار می برند توجه خوبی به

فرزند خود نشان می دهند و میزان کنترل والدینی متوسطی را به کار می برند که به کودکان اجازه می دهد به طور فزاینده ای خود مختار شوند (ریت من^۱ و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از دویری و همکاران، ۲۰۰۶).

بسیاری از پژوهشگران کمال گرایی را پیامد تعامل کودکان با والدینشان می دانند (کاوامورا، فراست و هامارتز، ۲۰۰۲). بیشتر کودکان کمال گرا در خانواده هایی پرورش می یابند که عملکرد کمتر از کامل را با انتقاد آشکار یا ضمنی پاسخ می دهند. در نتیجه فرزندان این خانواده های متوقع، ممکن است شیوه های انتقادی ارزیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند. یافته های پژوهشی نشان دهنده رابطه مستقیم بین سبکهای فرزند پروری خشن و مستبدانه با جنبه های منفی کمال گرایی است (هویت و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). کاوامورا و همکاران، نیز به یافته های مشابهی دست یافته اند. بر پایه یافته های یادشده انتظار می رود که انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر کمال گرایی فرزندان تاثیرگذار باشد. والدین و تجارب فرزند پروری آن ها نیز نقش مهمی در ادراکات محیطی کودکان دارد و این ادراکات به نوبه خود نقش مهمی در باورهای انگیزشی و خودتنظیمی کودکان بر جای می گذارد. در حقیقت رفتار والدین و شخصیت کودکان تحت تاثیر متغییر های گوناگونی قرار دارد و ما نمی توانیم مشخصات ثابتی را برای تک فرزندان پیش بینی کنیم و انتظار رفتار یا مشکل معینی را از این فرزندان داشته باشیم.

بیان مسئله

سال هاست که تعداد والدین تک فرزند به دلایل متعددی رو به افزایش است از جمله اینکه:

. تامین هزینه خانواده های پر جمعیت دشوار است.

. والدین به راحتی می توانند تربیت فرزند خود را تحت کنترل داشته باشند.

. همه درباره افزایش جمعیت نگران هستند.

^۱ Rithman

- . برخی از والدین مایل نیستند با مشکلاتی که ممکن است میان فرزندان ایجاد شود روبه رو شوند. آنان از پیچیده شدن مسائل خانوادگی که بر اثر چند فرزندی پدید می آید، اجتناب می ورزند.
- . برخی از افراد در سنین بالا ازدواج می کنند، لذا فرصتی برای داشتن چند فرزند ندارند.
- . برخی از والدین احساس می کنند که فرزند کمتر، آرامش زندگی خانوادگی را بیشتر خواهد کرد.
- . برخی از زوج ها پیش از آنکه فرزند دومی داشته باشند از یکدیگر جدا می شوند.
- . برخی از والدین یک فرزند را کافی می دانند(پیک هارت، ترجمه حاجی زاده، ۱۳۸۴).

تعداد خانواده های تک فرزند روز به روز در حال افزایش است؛ اما نباید از یاد برد که داشتن یک فرزند، بهتر یا بدتر از داشتن چند فرزند نیست و تک فرزندی نیز چون چند فرزندی مزایا و معایبی دارد. خانواده های تک فرزندی بر مسائلی خاص تأکید دارند که ممکن است در خانواده های چند فرزندی وجود نداشته باشد. پرورش کودک از دو عامل تأثیر می گیرند، عواملی که حضور دارند و عواملی که غایب هستند. کودک تک فرزند در خانواده ای رشد می کند که افراد بالغ در آن حضور دارند و کودک دیگری نیست که بتواند با او ارتباط برقرار کند. هر دوی این عوامل، نقشی مهم در پرورش کودکان تک فرزند دارند. کودک تک فرزند به طور کامل مورد توجه و علاقه والدین است. این عامل سبب می شود کودک احساس کند شخصی مهم است (به نقل از باکتريا، ۱۳۸۶). بروفی (۱۹۸۹)، تک فرزندی را پدیده ای که همواره با دید منفی نگریده می شود و برای توصیف آن ها معمولا از خصوصیات مثبت استفاده نمی شود و به آن ها برچسب ناسازگار، خودمحور، بی مسئولیت و غیره زده می شود (ایشن، ۲۰۰۲)^۱. به طوری که عموما تک فرزندان را تنها در دو تیپ شخصیتی متفاوت که البته هر دو دید منفی جامعه را می رساند، دسته بندی می کنند:

۱. تیپ شخصیتی بی ادب، از خود راضی، خودپسند و نامحبوب

^۱ Ishen

۲. تیپ شخصیتی حساس و گوشه گیر که از تماس های اجتماعی گریزانند و پیوسته به دامان والدین پناه می برند (احدی، ۱۳۸۰).

در کشور ما روند رشد جمعیت جوان در بیست سال اخیر سریع بوده است، دلایل زیادی برای افزایش رشد جمعیت جوان در کشور ما مطرح است، گرچه شرایط اقتصادی و نگرش مثبت نسبت به روش های ضد بارداری از عوامل بازدارنده این رشد بوده است، با وجود این برخی باورها موجب تداوم این رشد می گردد. به نظر می رسد از دیرباز یک ترس عمومی و یک باور نادرست در رابطه با داشتن تنها یک فرزند در میان عامه مردم وجود دارد و بسیاری از خانواده های ایرانی دست کم خانواده های طبقه متوسط تنها به علت جلوگیری از تنهای و به اصطلاح لوس شدن تنها فرزند خود اقدام به بارداری مجدد می کنند. بدین معنی که تک فرزند بودن را عامل خطری برای گرفتار شدن فرزندشان به انواع اختلالات و مشکلات رفتاری می دانند (به نقل از گودرزی، ۱۳۸۲). همانطور که تعداد زیادی از نظر خواهی ها نشان می دهد، خانواده های زیادی فرزند دوم را تنها به خاطر اینکه فرزند اول بدون خواهر و برادر بزرگ نشود به دنیا می آورند. گرچه خواهر و برادرها منافع زیاد دارند، اما برای رشد طبیعی ضروری نیستند. بر خلاف عقیده رایج تک فرزندان لوس و خودخواه نیستند؛ بلکه آن ها مانند سایر کودکان کاملاً سازگار هستند. خانواده به شکل های مختلف ویژگی های اعضا را تحت تاثیر قرار می دهد. آدلر (۱۹۳۹) در کتاب شناخت طبیعت انسان در مورد تک فرزندان می گوید: " آنها دنیا را مکانی متخاصم تصور می کنند و چون فقط اتفاقات خوشایند زندگی را تجربه کرده اند در هنگام رویا رویی با مشکلات واهمه دارند و ناشیانه برخورد می کنند. در هر فعالیتی که به طور مستقل انجام دهند با مشکلاتی رو به رو می شوند و دیر یا زود زنده ماندن خود را بیهوده می انگارند و در ورطه ی زندگی خود را می بازند. همچون انگلی هستند که هیچ کاری انجام نمی دهند...." (ص ۹۲). و باز آدلر در جایی دیگر می نویسد: " این ها وقتی بزرگ شدند و دیگر مرکز توجه نبودند دچار مشکلات زیادی می شوند. بچه در یک خانواده خلوت بزرگ می شود و هیچ تجربه ای به دست نمی آورد و رویهم رفته اگر علت فیزیکی نباشد که پدر و مادر نتوانند بچه دیگری پیدا کنند یک بچه

داشتن صحیح نیست " (آدلر، ترجمه زمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۴۸). ویژگی های ارتباطی و شخصی والدین دو دسته عوامل تاثیرگذار بر ویژگی های فرزندان محسوب می شوند. سبک های فرزند پروری الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که با آداب و پاسخ های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می شود (کوپلن، هاستینگز، لاگاس_سگین و ماولتون، ۲۰۰۲).

دارلینگ و استینبرگ (۱۹۹۳) سبک های فرزند پروری را یکی از ویژگی های والدین می دانند که با تعدیل اعمال خاصی که والدین انجام می دهند و تغییر تجربه پذیری فرزندان در فرایند اجتماعی شدن، بر کوشش های والدین بر اجتماعی کردن فرزندان تاثیر می گذارند. آنان سبک های فرزند پروری والدین را به عنوان مجموعه نگرش های والدین نسبت به فرزندان تعریف می کنند که در ارتباط با فرزندان بیان می شوند و همچنین رفتارهای غیرهدفمند والدین، شامل ژست ها تغییر آهنگ صدا یا بیان ارتجاعی هیجان ها را شامل می شوند. در خلال سه دهه گذشته، استفاده از تیپ شناسی موجب رشد روانشناسی خانواده شده است. بامریند معروف ترین سبک های فرزند پروری خانواده را ارائه داده است. او سبک های فرزند پروری را شامل سه سبک اقتداری، استبدادی و سهل گیر می داند (ماندارا، ۲۰۰۳). احتمال می رود سبک های فرزند پروری والدین بر کمال گرایی فرزندان تاثیرگذار باشند. سبک های فرزند پروری به عنوان ویژگی های ارتباطی والدین_فرزندان و کمال گرایی آن ها به عنوان ویژگی های شخصی می توانند سطوح کمال گرایی فرزندان را تحت تاثیر قرار دهند. بسیاری از پژوهشگران کمال گرایی را پیامد تعامل کودکان با والدینشان می دانند (کاوامورا، فراست و هامارتز، ۲۰۰۲). بیشتر کودکان کمال گرا در خانواده هایی پرورش می یابند که عملکرد کمتر از کامل را با انتقاد آشکار یا ضمنی پاسخ می دهند. در نتیجه، فرزندان این خانواده های متوقع ممکن است شیوه های انتقادی ارزیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند. یافته های پژوهشی نشان دهنده رابطه مستقیم بین شیوه های فرزند پروری خشن و مستبدانه با جنبه های منفی کمال گرایی است (هویت و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). بر اساس نتایج تحقیق سویننس و همکاران (۲۰۰۵)، والدین کمال گرایی خود را در سبک های فرزند پروری شان به

نمایش می گذارند. با والدین کمال گرا ممکن است آرزوها و آرمان هایی را که خودشان نتوانستند به آنان برسند، برای فرزندان خود به کار ببرند و رفتارهای آنان را به صورت انتقادی ارزیابی کنند و درگیر فنون کنترل روانشناختی که یکی از مولفه های فرزند پروری است، شوند (بالت، ۱۹۹۵). بر اساس نظر هویت و فلت (۱۹۹۰) که معتقدند کمال گرایان اغلب انتظارات غیر واقع بینانه از دیگران دارند و آنان را به شیوه انتقادی می کنند، چرایی فرافکنی آرزو ها و استانداردهای شخصی والدین به فرزندان در قالب شیوه فرزند پروری کنترل گرایانه توجیه می شود. در امتداد خط سبب شناسی سبک های فرزند پروری، یکی از بهترین گزینه ها، بررسی رابطه کمال گرایی در چارچوب والدین_فرزندان است. یافته ها نشان می دهند که شیوه تربیتی قاطعانه به طور مستقیم و غیر مستقیم با تداخل در فرآیند پردازش اطلاعات فرزندان را در فرایند یادگیری خودتنظیمی گر بار می آورد. یافته های پژوهشی در این زمینه حاکی است که فرزندان والدینی که انتظارات خود را برای فرزندان نشان تبیین می کنند و همواره آن ها را در جریان چگونگی و چرایی هدف گذاری، برنامه ریزی، نظارت، ارزیابی و کمک گرفتن از دیگران قرار می دهند، نسبت به همتاهاى خود در خودتنظیمی گری در مرتبه بالاتری قرار دارند (ولترز، ۱۹۹۸؛ زیمرمن و مارتینز-پونز، ۱۹۸۶). علی رغم مطالعات انجام شده در زمینه شیوه فرزند پروری والدین، خودتنظیمی و کمال گرایی فرزندان مطالعه ای که رابطه بین این سه متغیر را همزمان با یکدیگر مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. لذا، پژوهش حاضر در صدد است تا به طور مشخص به این سوال پاسخ دهد که آیا بین شیوه های فرزند پروری والدین با خودتنظیمی و کمال گرایی دانش آموزان خانواده های تک فرزند و چند فرزند تفاوتی وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

هرچه زمان رو به جلو می رود، روابط انسانی پیچیده تر شده و از سادگی بیرون می آید. روابط اعضای خانواده، معلم، شاگرد، همسالان و افزایش تعداد خانواده های تک فرزندی و... در نتیجه اصول و قوانین به کار گرفته شده در تربیت فرزندان توسط پدر و مادر به شیوه گذشته اثرگذار نبوده است و به همین علت در سال های اخیر